

دوتا ۱۹۷	حفظ کردن ۳۹
	والدین مسیحی : تربیت در خداوند (افسسیان ۶ : ۴)
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد تعمق و حفظ کردن کلام است یاد خواهید گرفت که کلیسای مسیحی را بنا کنید . دو معلم بر مفهوم یکی از آیات کتاب مقدس که در مورد یکی از ویژگی های یک ایماندار به عیسی مسیح است تعمق و آن را به اتفاق هم حفظ خواهند کرد . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در یک دفترچه ، یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید . با کمک این مجموعه هشتم ، کتاب مقدس ، در ارتباط با بزرگ کردن فرزندان پنج مسئولیت والدین مسیحی را تعلیم می دهد . عنوان تعمق و حفظ کردن امروز این است : تربیت در خداوند .

(S) نکته ۱ . تعمق بر آیه جدید کتاب مقدس .

آیه جدید کتاب مقدس که بر آن تعمق و آن را حفظ خواهیم کرد افسسیان ۶ : ۴ است . ما روی حقایق در کتاب مقدس با یکدیگر تعمق خواهیم کرد . اجازه بدهید افسسیان ۶ : ۱ - ۴ را بخوانم ، " ای فرزندان پدر و مادر خود را اطاعت کنید که این کار درستی است زیرا خداوند اختیار زندگی شما را به دست ایشان سپرده است . نخستین حکم از ده فرمان که با وعده همراه می باشد اینست که پدر و مادر خود را احترام نما و وعده ای که خدا داده این است که اگر احترام پدر و مادر خود را نگاه دارید عمر طولانی و با سعادت خواهید داشت . در اینجا سخنی نیز با شما پدر و مادرها دارم . فرزندان را بیش از حد سرزنش نکنید مبدا دلگیر و عصبی شوند . ایشان را آنطور که خداوند می پسندد با محبت تربیت کنید و از کلام خدا ایشان را پند و نصیحت دهید ."

آیه حفظی این است : تربیت در خداوند : افسسیان ۶ : ۴ . در اینجا نیز سخنی با شما پدر و مادرها دارم . فرزندان را بیش از حد سرزنش نکنید مبدا دلگیر و عصبی شوند . ایشان را آنطور که خداوند می پسندد با محبت تربیت کنید و از کلام خدا ایشان را پند و نصیحت دهید . افسسیان ۶ : ۴ .

(T) اول . والدین باید فرزندان را طوری تربیت کنند که از آنها اطاعت کنند . افسسیان ۶ : ۴ . می گوید ، " ای

فرزندان پدر و مادر خود را اطاعت کنید که این کار درستی است . " بعضی فکر می کنند که این بدین معنی است که فرزندان مسیحی فقط در صورتی که والدینشان " در خداوند " هستند باید از آنها اطاعت کنند یعنی اگر والدینشان مسیحی می باشند . اما این درست نیست . یعنی فرزندان مسیحی باید از والدینشان به این خاطر که خود فرزندان ، مسیحی هستند اطاعت کنند . در حالیکه بسیاری از فرزندان غیر مسیحی از والدین خود نا اطاعتی می کنند ، فرزندان مسیحی باید از والدینشان اطاعت کنند چون مسیح به فرزندان مسیحی چنین دستور داده است . بچه های مسیحی باید از والدینشان اطاعت کنند حتی اگر آنها مسیحی ، با ملاحظه یا منصف نباشند .

در بعضی فرهنگهای دنیوی بچه ها باید در سرتاسر زندگیشان و تحت هر شرایطی و تا زمان مرگ از والدین خود اطاعت کنند . والدین بر فرزندان دارای اقتدار مطلق هستند . مهم نیست که بچه ها چند ساله باشند تا زمانیکه والدین زنده هستند بچه ها باید از آنها اطاعت کنند . اما طبق کتاب مقدس این فرهنگها اشتباه هستند . این فرهنگها باعث می شوند که والدین فرمانروای مستبد فرزندان خود باشند و فرزندان را مجبور می کنند که از والدین خود اطاعت کنند حتی اگر آنها اشتباه کنند و یا شریر باشند .

(S) بیابید به نمونه خود عیسی توجه کنیم . در لوقا ۲ : ۵۱ می خوانیم که وقتی عیسی هنوز ۱۲ ساله بود ، مطیع

والدین خود روی زمین بود . اما در مرقس ۳ : ۲۲ ، ۳۱ - ۳۴ می خوانیم که وقتی عیسی بالغ و مشغول وظایف زندگی خود شد ، دیگر از والدین خود اطاعت نمی کرد و پیرو خواسته های آنها نبود . او فردی بالغ با مسئولیتی مستقل در زندگی اش بود . به علاوه در متی ۱۰ : ۳۷ کتاب مقدس بوضوح تعلیم می دهد ما باید خدا را بیش از والدینمان اطاعت کنیم . پس کتاب مقدس تعلیم نمی دهد که مسیحیان باید در سرتاسر زندگیشان و تحت هر شرایطی از والدینشان اطاعت کنند . بلکه کتاب مقدس تعلیم می دهد که مسیحیان تا زمانیکه بچه ، زیر سن قانونی ، نا بالغ و وابسته به آنها هستند باید از والدینشان اطاعت کنند . بزرگسالی از وقتی آغاز می شود که مسیحیان خانه والدین خود را ترک می کنند و یا دیگر وابسته به والدینشان نیستند و یا ازدواج کنند . پس اطاعت از والدین دارای دوران محدودی است . بچه ها باید تا زمانی که بالغ شوند از والدین خود اطاعت کنند . اما فرزندان باید همیشه به والدین خود احترام بگذارند .

(T) دوم . والدین باید فرزندان را طوری تربیت کنند که به آنها احترام بگذارند . " احترام گذاشتن " یعنی "

بزرگ شمردن " نشان دادن توجه و محبت بدون اکراه ، بدون انگیزه های خود خواهانه یا ترس . این موارد نمونه هایی است برای تمام مردم در ارتباطشان با والدینشان ، با پدر و مادر همسرشان و با پدر آسمانی صرفنظر از اینکه هنوز بچه باشند یا نوجوان یا بالغ باشند . پنج طریق برای احترام یا بی احترامی به والدینتان و یا پدر آسمانی شما وجود دارد .

يك . با بحث نکردن با والدینتان به آنها احترام بگذارید . در مورد مسائلی که واقعا ارزش روحانی ندارند با آنها بحث نکنید . برای مثال در مورد پوشیدن لباس مناسب ، یا در مورد تماشای کدامیک از برنامه های تلویزیون یا در مورد اینکه چه کسی کار خانه را باید انجام دهد با آنها بحث نکنید . بحث کردن با والدین باعث می شود که والدین شما بفهمند که نقطه نظرات آنها مسخره است . چطور می توانید به والدین خود احترام بگذارید ؟ بر نقطه نظر خود به آرامی تاکید کنید و سپس اجازه دهید که خدا از طریقی که خودش بیشتر خوشود می شود عمل کند . به این صورت شما نشان می دهید که به خدایی ایمان دارید که بر هر شرایطی مسلط است و اینکه خدا قادر است برای شما بهترین کار را انجام دهد .

دو . با جدی گرفتن پیشنهادات و مشورتهای والدینتان به آنها احترام می گذارید . اگر بدون توجه به مشورت والدینتان آن را رد کنید آنها را بی احترام کرده اید . چطور می توانید به والدینتان احترام بگذارید ؟ هرگاه والدینتان به شما مشورت یا پیشنهادی می دهند از آنها یاد بگیرید . تا زمانیکه فرصت دارید از سالهای تجربیات آنها و اندوخته حکمت آنها استفاده کنید . بخصوص از زمینه هایی که قوت آنهاست از استعداد ها ، مهارت ها ، علم و کاردانی آنها یاد بگیرید .

سه . با دخالت دادن آنها در زندگی واقعی تان به آنها احترام بگذارید . وقتی اجازه نمی دهید که والدینتان افکار و احساسات یا برنامه ریزی شما را بدانند و اینکه واقعا چکار می کنید و یا وقتی به آنها فرصت می دهید تا بر نقشه های شما تاثیر گذارند آنها را بی احترام کرده اید . زمانیکه والدینتان را در تفریحات یا در ، دردها ، در خوشی ها و در جراحتهای خود دخالت ندهید آنها را بی احترام کرده اید . حذف والدین از زندگی واقعی تان باعث می شود که آنها احساس کنند ارزش ارتباط را ندارند . با والدین خود ارتباط برقرار کنید . سخت است اما هنوز یکی از بهترین روشها برای احترام گذاشتن به والدین است در محبت کردن با آنها پیشقدم باشید . با آنها در مورد فعالیتهای صحبت کنید : یعنی در مدرسه و یا سرکار چه می کنید ، همراه با دوستانتان و یا در کلیسا چکار می کنید . با آنها صحبت کنید که به چه چیز ایمان دارید : یعنی در مورد خدا ، مردم و دنیا . با آنها در مورد اعتقادات مسیحی خود صحبت کنید . با آنها در مورد افکارتان احساساتتان و نقشه های خود صحبت کنید . همچنین با دخالت دادن آنها در برنامه ها و تصمیمات خود به آنها احترام می گذارید . به تجربیات و حکمت والدین خود احترام بگذارید و مشورت آنها را بپذیرید . حتی اگر تصمیم های شما خلاف خواسته آنهاست ولی در آنها این احساس را ایجاد کنید که به آنها گوش می دهید و نقطه نظرات آنها را جدی می گیرید .

(S) چهار . با خدمت کردن به والدینتان به آنها احترام بگذارید . وقتی فقط در صورتی والدینتان را خدمت کنید که از شما بخواهند ، بی احترامشان کرده اید . خودتان را تمرین بدهید که ببینید کجا می توانید آنها را خدمت کنید ، کجا آنها به خدمت شما احتیاج دارند . و اگر می توانید کاری را انجام بدهید که کس دیگر اشتیاق یا توانایی انجام آنرا ندارد . در خدمت و کمک کردن به آنها پیشقدم شوید و منتظر نمانید تا والدینتان از شما خواهش کنند .

پنج . با محبت کردن والدینتان به آنها احترام بگذارید . اگر فقط طبق ضروریات فرهنگی به والدینتان محبت نشان بدهید مثل ملاقات کردن و یا هدیه دادن به آنها ، آنها را بی احترام کرده اید محبت واقعی و رای ضروریات است که فرهنگ از نظر اخلاقی برای فرزندان ضروری می داند . محبت واقعی مسیحی نسبت به قصورات آنها صبور است و اشتباهاتی که نسبت به شما انجام داده اند را می بخشد . وقتی شما مسیحی می شوید معمولاً والدینتان می ترسند که این تغییر تاثیر منفی بر شما داشته باشد : آنها می ترسند که شما در تحصیلات خود کمتر موفق باشید و یا نتوانید شغل خوبی بدست آورید ، در زندگیتان موفق نباشید پول کمتری بدست آورید و نتوانید از نظر مالی والدینتان را حمایت کنید . آنها می ترسند که شما فرهنگتان را از دست بدهید و آنچه آنها " خدا " می نامند از دست شما خشمگین شود . ایمان مسیحی خود را برای آنها بدقت توضیح دهید و به آنها ثابت کنید که شما از طریق کاری که مسیح برای شما انجام داده است تبدیل به شخصی مسئول تر و با محبت تر شده اید .

(T) سوم . تربیت بچه ها مسئولیت پدر است . این باعث تعجب بعضی از مردم می شود چون طبق تجربیات با فرهنگ آنها مادر در تربیت فرزندان دارای بزرگترین نقش است . اما کلام خدا بزرگترین اقتدار را دارد و کلام خدا تعلیم می دهد که تربیت کردن بچه ها مسئولیت پدر است . پدر البته مادر را دخالت خواهد داد و آنها با هم بچه ها را بزرگ می کنند اما پدر باید مسئول باشد . پدر با کمک مادر باید بچه ها را با تعلیم و آموزش آنها تربیت کنند .

يك . آموزش یعنی کلام خدا را تعلیم دهند و فکر آنها را تحت تاثیر کلام خدا قرار دهند . آموزش فقط به معنی انتقال دانش نیست بلکه باید انتقال معرفت خداوند باشد به طوریکه مبدل به اعتقادات و باورها ، ارزشها و معیارهای اخلاقی او شود . کلام خدا که در کتاب مقدس نوشته شده باید در ذهن بچه ها حك شود به طوریکه آنها هرگز او را فراموش نکنند . آموزش شامل هشدار دادن خطرات و نتایج اعمالشان هم می شود .

دو . تعلیم به معنی این است که بچه به حقیقت عمل کند و آنها در سرتاسر این فرایند به او کمک کنند . تعلیم شامل تادیب ، اصلاح و حتی مجازات است .

سه . طوری بچه خود را تربیت کنید که برای این جهان شهروند خوبی باشند . نخست ، آنها را به سمت بلوغ عقلی ، جسمی ، روحانی و اجتماعی تربیت کنید سپس آنها را تربیت کنید تا حکیم باشند و بالاخره آنها را تربیت کنید تا محبت کنند . خانواده سالم مصالح ساختمانی يك قوم سالم هستند .

چهار . طوری بچه هایتان را تربیت کنید که برای ملکوت خدا شهروندان خوبی باشند .

نخست آنها را طوری تربیت کنید که در تمام شرایط به خدا اعتماد کنند و بدون قید و شرط از خدا اطاعت کنند . بعد آنها را

تربیت کنید تا زندگی مقدس و پاک داشته باشند و بالاتر از همه اینها آنها را طوری تربیت کنید که خدا را و همسایه خود را محبت کنند و خودشان را بپذیرند .

(S) چهارم . تشویق فرزندان مسئولیت پدر است . در حالیکه بچه ها وظیفه دارند که از والدین خود اطاعت کنند والدین هم وظیفه دارند که بچه هایشان را تشویق کنند . این قسمت در کولسیان ۳ : ۲۱ نیز نوشته شده ، ” و شما پدران فرزندان را آنقدر سرزنش نکنید که دلسرد و دلشکسته شوند . “ تشویق بخصوص مسئولیت پدر است . چون بچه ها کامل نیستند پدران نباید عملاً آنها را آشفته کنند و یا روحیه آنها را خرد کنند . پدران باید مصمم باشند که مشوق باشند .

پدران راههای بسیاری برای مایوس کردن و ناامید ساختن بچه ها دارند . با مشاهده عکس العمل بچه ها نسبت به خودتان می توانید بفهمید که چه چیزهایی آنها را ناامید می کند زمانیکه متوجه می شوید که بچه ها تحریک پذیرند عصبانی و افسرده هستند منزوی هستند و تحمل والدیشان را ندارند احتمالاً مایوس شده اند . چنین عکس العمل هایی از جانب فرزندان باید پدران را وادارند که روش رفتار خود را با فرزندان عوض کنند .

بعضی مواقع پدران از روی غفلت فرزندانشان را مایوس و عصبانی می کنند . پدران با فرزندانشان وقت کافی نمی گذرانند . با حمایت بیش از حد آنها را مایوس می کنند یعنی همه جا همراه آنها هستند و سعی می کنند تمام اعمال آنها را کنترل کنند .

والدین با درخواستهای غیر منطقی از بچه ها و یا با ممانعت از آرمانهای آنها ، فرزندان را ناامید و مایوس می کنند . آنها اینکار را وقتی می کنند که به آرزوی او یعنی انتخاب شغلی که والدین دوست ندارند بختند .

والدین بچه خود را ناامید و مایوس می کنند وقتی که به نقطه نظر فرزندان گوش ندهند ، یا به او اجازه ندهند که اعتقادات ، احساسات و بخصوص خشم خود را ابراز کند و یا به او فرصت ندهند که در تصمیمات خانوادگی نظر و تصمیم خود را ابراز کند .

(T) پنجم . پدران باید فرزندان خود را طوری تعلیم و آموزش دهند که آنها مسئول بار بیابند . اگر هدف شما راضی کردن فرزندان است پس بچه هایتان احتمالاً تنبیه خواهند شد ، خود خواه و لوس بار خواهند آمد . اما اگر شما طوری آنها را تربیت کنید که در زمینه های بیشتر زندگی مسئولیت بیشتری را بپذیرند پس مبدل به بزرگسالانی مسئول خواهند شد .

مسئولیت را در چهار مرحله آموزش دهید . **اولین مرحله** وقتی است که تمام تصمیمات را شما برای او می گیرید . در حالیکه بچه بزرگتر می شود باید مسئولیت بیشتر و بیشتری به او بدهید . **دومین مرحله** این است که با فرزندان تصمیم بگیرید و انتخاب کنید و آنها را با هم انجام دهید . برای آنها نمونه خوبی از خود به جا بگذارید و همچنین معیارهای کیفی و قوانین خانوادگی وضع کنید . **سومین مرحله** این است که اجازه بدهید بچه ها خودشان انتخاب کنند و تصمیم بگیرند ولی باز هم احتیاج به تأیید و نظارت شما دارند . آزادی بیشتر آنها مستلزم مسئولیت بیشتر آنها و پاسخ گو بودن آنها نسبت به شما است . **مرحله نهایی** این است که اجازه بدهید بچه ها همه کار را خودشان انجام دهند . حالا آنها بزرگسالانی بالغ شده اند و برای تمام کارهایی که انجام می دهند مسئول و پاسخ گو هستند البته نه نسبت به شما بلکه نسبت به خدا . بعضی زمینه های مهم آموزش مسئولیت پذیری عبارتند از : کارهای مدرسه یا شغل ، روابط خانوادگی ، پرهیزگاری ، حمل پول ، مسافرت به تنهایی ، دوست یابی و ایجاد رابطه با خدا است .

(S) ششم . پدران باید بچه ها را طوری تعلیم آموزش دهند که دارای اعتقادات شخصی شوند . تا زمانیکه بخواهید بچه ها اعتقادات و نظرات شخصی شما را داشته باشند ، هرگز در اعتقادات و نظرات شخصی خودشان رشد نخواهند کرد . پس از بچه هایتان نخواهید که به طور مطلق از اعتقادات ، باورها ، ارزشها و اولویتهای شما اطاعت کنند بلکه آنها را تشویق و کمک کنید تا اعتقادات ، باورها ، ارزشها و نظرات سالمی بر اساس کتاب مقدس داشته باشند . بدین ترتیب آنها بالغین مسئول خواهند شد . اعتقادات را در سه مرحله تعلیم دهید . **اولین مرحله** اجازه بدهید که بچه ها خودشان حقایقی را از کتاب مقدس کشف کنند . **دومین مرحله** اجازه بدهید که بچه کاربرد آن حقیقت را انتخاب کنند . **مرحله سوم** . عواقب آن کاربرد را با آنها در میان بگذارید . برای مثال ، درباره موضوع لباس پوشیدن کتاب مقدس دارای دو اصل است ، یعنی لباس باید اخلاقاً پذیرفته شده باشد ، کسی را وسوسه نکند و از نظر فرهنگی مناسب موقعیت باشد . این دو اصل چارچوب یک تصمیم را تشکیل می دهند . پس در این محدوده بچه آزادی انتخاب دارد . فرزندان تصمیم یا انتخاب خود را انجام می دهد و شما عواقب انتخاب او و همچنین تأثیراتی که انتخاب او بر دیگران و خود او دارد را با او به بحث می گذارید .

(T) هفتم . پدران باید فرزندان خود را تعلیم و آموزش دهند که روابطی بالغانه ایجاد کنند . هدف شما نباید استقلال بلکه وابستگی متقابل سالم باشد . کتاب مقدس هر ایمانداری را در یک خانواده خاص ، کلیسایی خاص و یا اجتماعی خاص قرار داده است . جهان بینی کتاب مقدس شامل تک تک افرادی نیست که هر کدام راه خود را می روند بلکه افراد در درون خانواده ها ، کلیساها و جوامع . نظریه جهان بینی کتاب مقدس این است که ما به یکدیگر نیاز داریم و وظیفه خاصی نسبت به یکدیگر داریم که باید انجام بدهیم . پس فرزندان را کمک کنید که دوستان خوبی پیدا کنند با مردم جوامع مختلف و زمینه های اجتماعی متفاوت ارتباط برقرار کنند و با جنس مخالف ارتباط سالم برقرار کنند .

(S) نکته ۲ . حفظ کردن آیه جدید کتاب مقدس .

آیه را روی یک کارت یا در یک دفترچه یادداشت بنویسید . عنوان امروز این است ” تربیت در خداوند “ و جای آن در افسسیان ۶ : ۴ می باشد . بیائید این آیه کتاب مقدس را با هم حفظ کنیم . سپس بدون اینکه به کتاب مقدس یا دفترچه یادداشتان نگاه کنیم قسمتی از آیه را به تنهایی تکرار کنیم .

(T+S) تربیت در خداوند : افسسیان ۶ : ۴ : در اینجا سخنی با شما پدر و مادرها دارم ، فرزندانان را بیش از حد سرزنش نکنید .

(T) تربیت در خداوند : افسسیان ۶ : ۴ : در اینجا سخنی با شما پدر و مادرها دارم ، فرزندانان را بیش از حد سرزنش نکنید .

(T+S) تربیت در خداوند : افسسیان ۶ : ۴ : در اینجا سخنی با شما پدر و مادرها دارم ، فرزندانان را بیش از حد سرزنش نکنید . مبدا دلگیر و عصبی شوند . ایشان را انطور که خداوند می پسندد با محبت تربیت کنید و از کلام خدا ایشان را پند و نصیحت دهید . افسسیان ۶ : ۴ .

(S) تربیت در خداوند : افسسیان ۶ : ۴ : در اینجا سخنی با شما پدر و مادرها دارم ، فرزندانان را بیش از حد سرزنش نکنید . مبدا دلگیر و عصبی شوند . ایشان را انطور که خداوند می پسندد با محبت تربیت کنید و از کلام خدا ایشان را پند و نصیحت دهید . افسسیان ۶ : ۴ .

(T) نکته ۳ . مرور آخرین آیاتی که حفظ کرده اید .

بیایید بدون اینکه به دفتر یادداشتان نگاه کنیم ۵ آیه آخری را که حفظ کرده بودیم مرور کنیم مجموعه های ” ازدواج مسیحی “ آیات ۴ - ۵ و مجموعه های ” والدین مسیحی “ آیات ۱ - ۳ .

(S) حل اختلافات : متی ۵ : ۲۳ - ۲۴ . پس اگر نذری داری و می خواهی گوسفندی در خانه قربانی کنی و همان لحظه به یادت آید که دوستت از تو رنجیده است گوسفند را همانجا نزد قربانگاه رها کن و اول برو و از دوستت عذر خواهی نما و با او آشتی کن آنگاه بیا و نذرت را به خدا تقدیم کن . متی ۵ : ۲۳ - ۲۴ .

(T) وفادار ماندن : امثال ۳ : ۳ - ۴ . محبت و راستی را هرگز فراموش نکن بلکه آنها را بر گردنت بیاویز و بر صفحه دلت بنویس اگر چنین کنی هم خدا از تو راضی خواهد بود هم انسان . امثال ۳ : ۳ - ۴ .

(S) محبت در خرج کردن : دوم قرنثیان ۱۲ : ۱۴ - ۱۵ . این بار نیز سر بار شما نخواهم بود زیرا نه مالتان را بلکه خودتان را می خواهم . فراموش نکنید که شما فرزندان من هستید و وظیفه فرزندان نیست که زندگی والدین خود را تامین کند بلکه والدین هستند که باید نیازهای فرزندان خود را بر آورده سازند من نیز با کمال میل حاضرم هر چه دارم و حتی خود را فدای شما کنم تا از لحاظ روحانی تقویت شوید گرچه هر قدر بیشتر به شما محبت می کنم محبت شما به من کمتر می شود . دوم قرنثیان ۱۲ : ۱۴ - ۱۵ .

(T) تربیت همه جانبه : امثال ۲۲ : ۶ . بچه را در راهی که باید برود تربیت کن و او تا آخر عمر از آن منحرف نخواهد شد . امثال ۲۲ : ۶ .

(S) آموزش دادن کلام خدا : تثنیه ۶ : ۶ - ۷ . این قوانینی که امروز به شما می دهم باید دائم در فکرتان باشد آنها را به فرزندان خود بیاموزید و همیشه درباره آنها صحبت کنید خواه در خانه باشید خواه در بیرون ، خواه هنگام خواب باشید خواه اول صبح . تثنیه ۶ : ۶ - ۷ .

(T) تکلیف برای هفته آینده

اول . هر روز به مدت ۵ هفته پنج آیه آخری که حفظ کرده اید مرور کنید .
دوم . کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید .

سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه ” دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید .